

مگر بصیر و طاعت و سرگزشت از آتش و درج نیایی مگر بصیر از معصیت
 پس هر که بصیر بر طاعت من عطا کند او را بهشت و هر که بصیر از معصیت
 من بماند او را از عذاب آتش و **مقامی بن سلمان** رحمه الله گفت در
 توبه نیست یا خدا که خدای عزوجل است ای فرزندانم اگر امید حرکت
 من از برای برالزم کلمات مرا و اگر کسی توبه از عذاب من پس بماند از
 فراموشی من یا بمانی در آخرت که امت مرا از **تقی میفرماید** پیغمبر من
 صلی الله علیه و آله حق تعالی را در شب معراج مرا گفت یا محمد گفتار
 کن با من چیست تا به نام رب بایست جواب دهم و کنم که درون قدما بر من
 بجا خفتن و چشم داشتن نماز است از پیش از آب دست تمام کردن از
 سه روز و تاملی گفت راست گویی یا محمد پس گفت در جات و صحبت که در سلام
 است را در پیش و طعام دادن و نماز شب گذاردن گفت رست گویی یا
 محمد پس صحبت که در توبه است از عذاب الهی یا بنماز است که را در دنیا
 بود در حال تو انگری و در پیش من گفتن در حال خوشنودی و چنانچه گفت
 موافقت و صحبت که در نیکی و فرمان مباد کردن و برای خود و دیگران
 گفت رست گویی یا محمد برسان این بر امتان خود **از خلاصه الحقایق** آورده که
 حبیبی بحسب حدیثی که از شب یکبار پس با دو بابش نشستی زن خود را
 بدار کردی و گویی یا محمد بنماز راه آخرت قطع کنی بدرستی که عاقبت

و سفر

و سفر و دوست و دشمنی اندک و آورده اند که سفیان ثوری بحسب حدیثی
 چون شب طعام میخوردی بنویس و گویی اگر کار را عاف زیاده و در راه
 او را که رستم زیادت شود و شب تمام شایم کردی تا صبح **و سب بن سید**
 گفت در توبه نیست یا خدا که خدای عزوجل فرموده است یا فرزند آدم که اگر
 عت و نیست زوال مرغت مرا پس بشتاب و مرا عبادت کن تا عطا کنم ترا
 غنم که که ترا زوال نباشد ای فرزندانم که هر که است ملک و غیرت زوال
 ملک مرا پس بشتاب و مرا عبادت کن تا عطا کنم ترا ملک که زوال نباشد از برای
 فرزندانم که من بخیر انبیا فریدم موت را و موت در دنیا است پس بشتاب مرا
 عبادت کن تا عطا کنم ترا جانی که در دنیا بدتر است موت **و از ترکیه آورده و نامش**
ناز و تقی میفرماید آورده اند که در زمان اولیای علی علیه السلام در میان خلق خود را
 بیدار کردی و ششک را فرو ریختی خود را مرده ای پس او بدو گفت عظم که ششک تو
 گفت وای بر تو چنانکه از من بخواهت این مرا در این طوطی است که تو از میان
 پنجوی پس اگر خواهی که مثل من شوی و جویند من ناز را بخوار و او بر تو که
 و از خود درون سگت راست و دروغ پاک مدار و سگت خود را و سگت
 پس آن مرد گفت که من چند کردم با خدای عزوجل که ترک نیام ناز را تو شسته
 سگت خود را پس بپس گفت نیاموست کسی مگر در من مگر تو **و از خلاصه الحقایق**
 در طوطی من علی گفت ای الله سگ که باک نماز بشنود و با بخت کند یعنی